

حیطه‌های یادگیری

بر اساس نظریه حیطه‌های یادگیری

بنجامین بلوم

طبقه‌بندی و تحلیل هدف‌های صریح آموزشی در حیطه یادگیری

طبقه‌بندی‌های مختلفی از هدف‌های آموزشی ارائه شده است که
معروف‌ترین آنها طبقه‌بندی بنجامین بلوم و همکاران اوست .

در این طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی در سه حیطه قرار می‌گیرند:



۱- حیطه شناختی (دانشی)

۲- حیطه عاطفی - اجتماعی (نگرشی)

۳- حیطه روانی - حرکتی (مهارتی)

سطوح یادگیری در حیطه شناختی

هدف‌های شناختی با آنچه شاگرد باید بداند و بفهمد سر و کار

دارد. در این حیطه ، هدفها از ساده‌ترین سطوح شناخت به

پیچیده‌ترین و از امور ذاتی محسوس به امور معنوی و

غیرمحسوس تنظیم شده است .

این هدف‌ها شامل ۶ سطح به شرح زیر است :

✓ ۱- دانش (آگاهی)

✓ ۲- فهمیدن (درک کردن)

✓ ۳- به کار بستن (کاربرد)

✓ ۴- تجزیه و تحلیل

✓ ۵- ترکیب

✓ ۶- ارزشیابی و قضاوت

* در آخرین تغییرات این نظریه در سال ۲۰۰۱ میلادی، جای سطوح ۵ و ۶ با یکدیگر عوض شده است.

طبقه بندی بازنگری شده بلوم در دو سطح
دانش و لایه های شناختی



۱) دانش

منظور از دانش این نیست که یادگیرنده بتواند از طریق یادآوری یا بازشناسی شواهدی
ارائه دهد بلکه حاکی از این است که **اندیشه** یا **پدیده‌ای** را در جریان آموزش **تجربه**
کرده و به **فاطر** سپرده است.

مهمترین **اشکال** **وارد** به این سطح **زیاده‌روی** معلمان در استفاده از آن و **سرعت** از
یاد رختن مفاهیم به ذهن سپرده شده است.

(۲) فهمیدن

توانایی پی بردن به مفهوم یک مطلب، تبیین آن با جملاتی که شخص خودش می‌سازد،
بی‌آنکه میان آن مطلب با مطالب دیگر چندان ارتباطی برقرار کند.
این سطح به اجزای فرعی دیگر تقسیم می‌شود که عبارتند از:

الف: ترجمه

ب: تفسیر

ج: برون‌یابی

الف . ترجمه (برگردان) :

مهارت برگرداندن یا تغییر دادن مطالب از شکلی به شکل دیگر بدون اینکه معنی و محتوای آن دگرگون شود .

ب . تفسیر :

درک تدابیر گوناگون به کار برده شده در انتقال مفاهیم و یک نوع باز آرای مفاهیم در ذهن است، به عبارت دیگر تفسیر شامل شایستگی در تشفیص نکات اساسی و جدا کردن آن از قسمت های کم اهمیت است.

ج . برون یابی :

عبارت است از مهارت در تعمیم دادن یا بکارگیری اطلاعات در طول زمان به منظور پیش بینی نتایج خاص.

(۳) به کار بستن :

عبارت است از توانایی کاربرد اصول علمی، فرضیه ها، قضایا و دیگر مفاهیم انتزاعی در وضعیت و موقعیت مناسب، بدون اینکه هیچگونه راه حلی ارائه شود.

۱۴) تجزیه و تحلیل :

توانائی شکستن مطلب به اجزای تشکیل دهنده آن و یافتن روابط
بین اجزا و نحوه سازمان یافتن آنها .

(۵) ترکیب :

توانایی در هم آمیختن دوباره قسمت‌هایی از تجارب گذشته با مطالب جدید و بازسازی آن به صورت یک کل تازه و نسبتاً انسجام یافته.

۶) ارزشیابی و قضاوت :

توانایی **قضاوت** دربارهٔ امور، اطلاعات و حتی روش‌های **رو به رو شدن** با مسائل است. در واقع **ارزشیابی** در اولین نسخه‌های **نظریه بلوم** به عنوان **نتیجه** جریان شناخت مطرح شده است.

بلوم در سال ۲۰۰۱ میلادی این نظریه را با عوض کردن جای **سطوح ۵ و ۶** با یکدیگر، اصلاح نمود و به این ترتیب سطح **ابتکار** و **فلاقییت** و **نوآوری** را بالاتر از ارزشیابی دانست.

سطوح یادگیری در هیئت عاطفی :

هدف‌های هیئت عاطفی، آن قسمت از هدف‌های آموزشی هستند که با نگرش‌ها، عواطف، علایق و ارزش‌ها سر و کار دارند.

سطوح یادگیری در این هیئت به پنج طبقه تقسیم می‌شوند :

(۱) دریافت و توجه کردن.

(۲) پاسخ دادن.

(۳) ارزش‌گذاری.

(۴) سازماندهی ارزش‌ها.

(۵) تبلور ارزش‌های سازمان یافته در شخصیت.

۱) دریافت و توجه کردن :

این دسته از هدف‌ها، شامل رفتارهایی است که از وجود پدیده خبر می‌دهد و میل تمایل در برابر شنیدن یا دیدن آن را نمایان می‌سازد.

۲) پاسخ دادن :

در این سطح فرد واکنشی در مورد مسئله مورد نظرش نشان می‌دهد.

۳) ارزشگذاری :

در این مرحله، شیء یا واقعه، پدیده یا رفتاری با ارزش جلوه می‌کند.

۴) سازماندهی ارزش‌ها :

عبارت است از ادغام ارزش‌های مختلف، رفع تعارضات بین آنها و بنا نهادن یک نظام ارزشی پایدار و منسجم.

۵) تبلور ارزش‌های سازمان یافته در شخصیت :

در این مرحله ارزش یا مجموعه‌ای از ارزشها در رفتار فرد انعکاس دائم پیدا می‌کند و در شخصیتش متبلور و جزء فلسفه زندگی او می‌شود.

سطوح یادگیری در حیطه روانی - حرکتی:

این حیطه شامل مهارت‌های عملی در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای، تربیت بدنی، هنر، کار آزمایشگاهی و امثال آنها است که سطوح زیر را در بر می‌گیرد:

(۱) مشاهده و تقلید.

(۲) اجرای عمل بدون کمک.

(۳) دقت در عمل.

(۴) هماهنگی حرکات.

(۵) عادی شدن عمل.

طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی، حوزه روانی حرکتی



سه نوع آمادگی قبل از انجام مهارت حرکتی:

(آمادگی ذهنی - آمادگی بدنی - آمادگی عاطفی)



اطلاع داشتن بدن را درست بکار بردن میل به کارگیری

۱) مشاهده و تقلید :

در این مرحله شاگرد به مشاهده رفتار مربی، که مشغول انجام مهارت مورد نظر است می‌پردازد.

۲) اجرای عمل بدون کمک :

در این مرحله میزان وابستگی شاگرد به مربی بسیار ناچیز است و نیازی به یاری مستقیم مربی نیست.

(۳) دقت در عمل :

در این مرحله شاگرد کار را با دقت، سرعت و ظرافت انجام می‌دهد و توانایی کنترل اعمال خود را بر حسب نیازها پیدا می‌کند.

(۴) هماهنگی حرکات :

یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه‌ای از اعمال با رعایت نظم و کارایی لازم.

(۵) عادی شدن عمل :

در این مرحله شاگرد به طور خودکار به انجام دادن کارهای دقیق و موزون عادت می‌کند.

افعال صریح در حیطه شناختی	افعال صریح در حیطه عاطفی	افعال صریح در حیطه روانی - حرکتی
تعریف کردن	قبول کردن	با مهارت به کار گرفتن
فهرست کردن	تأیید کردن	درست اجرا کردن
نام بردن	همکاری کردن	درست آزمایش کردن
توضیح دادن	علاقتمند شدن	بازسازی کردن
تشخیص دادن	هم عقیده شدن	جابه جا کردن
طبقه بندی کردن	تحریک شدن	محکم کردن
تجزیه و تحلیل کردن	آرزو کردن	عوض کردن
تشخیص دادن	با علاقه انجام دادن	و غیره ...
قضاوت کردن	تعهد داشتن	
و غیره	و غیره	